

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان ۱۳۹۵

احادیث آخرالزمان در خوانش متفاوت و جریان ساز جهیمان العتیبی

مرتضی آقامحمدی^۱

یحیی جهانگیری^۲

چکیده

در کتب حدیثی اهل سنت، روایات متعددی درباره اخبار از آینده وجود دارد. این روایات همواره مورد توجه و اهتمام مسلمانان بوده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی، احادیث یادشده درباره فتن، مبشرات و علائم آخرالزمان و اشراف الساعة هستند. این احادیث موجود در کتاب‌های اهل سنت، در مجموع روحیه انفعال و ترس از آینده را القا می‌کنند و مؤمنان را به فرار از فتنه‌ها و دخالت و مشارکت نکردن در آن‌ها دعوت می‌نمایند. این نگاه سلبی در بسیاری از این احادیث به چشم می‌خورد. در این میان، قرائتی متفاوت از احادیث یادشده وجود دارد که فاقد این روحیه سلبی است و پیروان خود را برای سرکوب فتنه و محقق کردن وعده الهی به اقدام و حرکت وامی‌دارد. این حرکت در روز اول محرم سال ۱۴۰۰ هجری با قیام جهیمان العتیبی در عربستان و اشغال مسجدالحرام تحقق یافت. آن چه خوانش جهیمان را از حالت انفعالی خارج می‌کرد، پرداختن به مسئله مهدی بود.

۱. دانش‌آموخته سطح چهار مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی؛ مدیر گروه مطالعات اسلامی (گروه انگلیسی) مؤسسه زبان و فرهنگ‌شناسی، وابسته به جامعه المصطفی‌العالمیه؛ پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام) - نویسنده مسئول (Mam50025@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار مؤسسه بین‌المللی مطالعات اسلامی حوزه علمیه قم؛ دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی؛ پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی اسلام معاصر (مرام).

این نوشتار در صدد بررسی خوانش جهیمان العتیبی از احادیث آخرالزمان، در رسائل به جای مانده از اوست.

واژگان کلیدی

جهیمان العتیبی، آخرالزمان، فتن، ملاحم، اشراف الساعة، مهدی، رسائل جهیمان.

مقدمه

در ابواب مختلفی از صحاح سته و دیگر کتب روایی اهل سنت، به نقل احادیث فراوانی درباره اخبار از آینده پرداخته شده است. در این باره کتاب‌های دیگری نیز به طور تخصصی به نگارش درآمده‌اند؛ از جمله کتاب *الفتن* تألیف نعیم بن حماد که از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در این زمینه به شمار می‌رود. این کتاب مشتمل بر احادیث غریب و نیز موضوعه بسیاری است. موارد متعددی از پیش‌گویی‌های پیامبر ﷺ درباره خلفای پس از خود، به خصوص امویان و ذکر نام آن‌ها در این کتاب وجود دارد که به نظر می‌رسد از جعلیات دوران امویان و دوره پیش از کتابت حدیث اند.^۱

نمونه قدیمی دیگر، کتاب *النهاية في الفتن والملاحم* نوشته ابن کثیر دمشقی است. ابن کثیر در این کتاب بیشتر به نقل حدیث پرداخته و کمتر از خود نظری در تحلیل محتوای احادیث بیان کرده است. اشکال خلط بین حدیث صحیح و ضعیف بر او نیز وارد است. او ابتدا به احادیث مربوط به فتن و اشراف الساعة پرداخته که بدون ترتیبی خاص ذکر شده‌اند و سپس در بخش دوم - که قریب به دوسوم آن را دربر می‌گیرد - به نقل احادیث مربوط به قیامت و بهشت و جهنم و مسائل مربوط به آن می‌پردازد. *التذكرة باحوال الموتى وامور الآخرة* نوشته قرطبی، اثر دیگری در این باره است. این کتاب دارای مباحث تحلیلی بیشتری است، اما احادیث ضعیف زیادی در آن وجود دارد. *الاشاعة في اشراف الساعة* نوشته برزنجی، دیگر کتابی است که محتوای علمی و تحلیل نسبتاً بهتری دارد. سعید الحوی نیز در فصل عقاید از کتاب *الاساس في السنة*، در

۱. برای مثال، با سند خود از امام حسن رضی الله عنه از پدرش امیرمؤمنان رضی الله عنه روایت کرده است: «سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: لا تذهب الليالي و الايام حتى يجتمع امر هذه الامة على معاوية» (مروزی، ۱۹۹۳: ۷۰).

در حدیثی دیگر از پیامبر صلى الله عليه وسلم نقل می‌کند: «سیكون رجل اسمه الوليد يسد به ركنا من ارکان جهنم او زاوية من زواياها» (همو: ۷۴).

و نیز از آن حضرت نقل شده است: «یلیکم عمر و عمر و یزید و یزید و الولید و الولید و مروان و مروان و محمد و محمد» (همو).

ذیل بحث از آخرت، بابتی مفصل به ملاحم و فتن اختصاص داده است. احادیث در این بخش با توجه به رویکرد اعتقادی بودن کتاب، با تحلیل علمی بسط داده شده‌اند. در دوران کنونی نیز کتاب‌ها و پایان‌نامه‌های متعددی در این باره نگاشته شده است.

فراوانی این احادیث در کتب اهل سنت، داستانی متفاوت از وجودشان در کتب شیعی دارد. احادیث یادشده در کتب شیعی با توجه به نقل احادیث از پیامبر و ائمه علیهم‌السلام قابل پذیرش‌اند و مجال قریب به سه قرن حضور آنان، توجیه‌کننده پرداختن به این امور است. اگرچه بررسی‌های سندی و محتوایی نیز این مطلب را تأیید می‌نماید، اما صرف کثرت این احادیث در کتب اهل سنت و استناد همه آن‌ها به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در نگاه نخست، خواننده را با تردیدی جدی روبه‌رو می‌کند. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طول مدت پیامبری‌اش با مسائل مختلفی مواجه بوده و زمان قابل توجهی را به انجام امور جاری مسلمین اختصاص داده است. مبارزه با آداب و رسوم نادرست و تعلیم سنت صحیح، آموزش قرآن و معارف آن و نیز آموختن اخلاق و احکام دین به صحابه، از اولویتهای بالا برخوردار بود و آن حضرت، باید این امور را در اولویت قرار داده باشد که در این صورت، فرصت و مجال چندانی برای پرداختن و بیان این همه حدیث و مطلب درباره فتن و ملاحم نداشته است. به نظر می‌رسد برخی از این احادیث در دوره‌های بعدی و پیش از زمان کتابت حدیث، در زمان خلافت امویان وضع شده باشند، به خصوص که بنی‌عباس برای ضربه زدن به امویان، از این احادیث بهره می‌جستند. در نتیجه، جداکردن احادیث صحیح از ضعیف، در این باره اهمیتی بسزا داشت.

اهل سنت نیز به این امر اذعان دارند و بسیاری از احادیث این کتب را موضوعه یا ضعیف می‌دانند. از این رو در دوران متأخر، برای جداکردن احادیث صحیح از ضعیف، تلاش‌هایی صورت گرفته است که به عنوان نمونه می‌توان از *الصحيح المسند من احادیث الفتن والملاحم و اشراط الساعة* اثر مصطفی عدوی، *الموسوعة فی الفتن والملاحم و اشراط الساعة* نوشته محمد احمد المبیض و *صحيح اشراط الساعة* به قلم عصام موسی هادی نام برد. پیشگام همه این‌ها، جهیمان العتیبی است. وی در *رسائل خود*، در این عرصه تلاش وافر می‌تواند در زمینه فتن و ملاحم و اشراط الساعة، احادیث صحیح را از سقیم جدا نماید. جهیمان در بیان امتیاز رساله خود به نام *رسالة الفتن و اخبار المهدي و نزول عیسی و اشراط الساعة* می‌گوید:

بدان که بسیاری از کتب که درباره مهدی و دجال و ملاحم نوشته شده است، بین حدیث صحیح و ضعیف فرق نگذاشته‌اند و وقایع را به ترتیب وقوعش بیان نکرده‌اند؛ اما تلاش ما

بر این بوده که این احادیث را مرتب نماییم و به قدر توان خود، هشت سال در این زمینه تلاش کرده‌ایم و احادیث صحیح و ضعیف را براساس راه‌هایی که مصنفان در این باب بیان کرده‌اند جدا کرده‌ایم. آن چه صحیح بود را جمع کردیم و احادیث تکراری را حذف نمودیم. (عتیبی، بی تا - د: ۲۲)

این نوشتار با مطالعه *رسائل جهیمان*، به بررسی خوانش متفاوت وی از احادیث فتن و ملاحم و اشراط الساعة می‌پردازد. شهرت جهیمان تنها به دلیل نگارش این رسائل نیست، بلکه مهم‌تر از آن، به اجرا گذاشتن احادیث فتن به شکل سناریویی رهایی‌بخش است. وی در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ به همراه جماعت خود، مسجدالحرام را اشغال کرد و درهای آن را بست و با شخصی به نام محمد بن عبدالله القحطانی به عنوان مهدی آخرالزمان، بیعت کرد تا بدین وسیله به بدعت‌ها و فساد خاتمه دهد و مقدمات برپایی قیامت را آماده سازد.

دسته‌بندی کلی محتوایی احادیث اخبار از آینده

در نگاهی کلی، احادیث نبوی موجود در کتب اهل سنت یا موضوع اخبار از امور آینده، چند دسته‌اند و به بیان «علامات صغرا»، «فتنه‌ها»، «مبشرات» و «علامات کبرا» یا همان اشراط الساعة می‌پردازند. به اعتقاد اهل سنت این اخبار و احادیث به امت کمک می‌کنند تا راه خود را در حوادث دشوار آینده بیابند و در شرایط دشوار، دارای بینه و نشانه راه باشند. بنابراین اعتقاد، پرداختن پیامبر ﷺ به این مطالب از مقتضیات رحمت الهی به امت و از دلایل شفقت و مهربانی رسول خدا ﷺ نسبت به آنان است. اما در عمل، به دلیل جهل یا مقاصد دیگر، همواره از این نشانه‌ها و اخبار سوء استفاده شده و در خدمت برخی مقاصد خاص قرار گرفته که شاید در مواردی متعدد، ناشی از هیجانانگیزی یا علاقه به اسرارآمیز کردن امور و نشان دادن ماورایی بودن ماهیت وقایع و رخدادهای پیرامون مؤمنان بوده است. طبیعتاً سرآمیختگی، جذابیت‌هایی دارد که ذهن انسان را به خود جلب می‌کند و گاه مبلغان مذهبی از همین ویژگی برای جذب افراد به دین و با انگیزه الهی استفاده کرده‌اند. اگر پدیده‌ای در عصری خاص، مصداق همان پیش‌گویی قرار گیرد که در احادیث به آن اشاره شده است، حکم آن و تکلیف مسلمین نیز درباره آن، براساس آن چه در روایات آمده خواهد بود. در مواردی نیز برای حفظ مذهب و طرد مخالفان عقیدتی به این احادیث استناد می‌شود. شاید از جمله بارزترین مصادیق این داستان، در میان جریان‌ها و مذاهب مختلف اسلامی، همین است که طرف مقابل خود را مصداق دجال معرفی شده در روایات می‌دانند. از سوی دیگر، همین استفاده‌های ابزاری،

آسیب‌های فراوانی نیز در پی داشته است. تشکیک در مصادیق علامت‌های آخرالزمان و فتنه‌ها و نیز تخریب این علم در ذهن مردم با تطبیق‌های نامناسب و شتاب‌زده، از جمله این استفاده‌های نادرست به شمار می‌رود. گاهی نیز برای دمیدن روح امید در جامعه و امت مایوس و دلسرد، به این احادیث استناد می‌گردد. همچنین در برخی موارد، برای تسلی دادن به دردها و مرحمی بر تلخ‌کامی‌ها، از آن‌ها استفاده می‌شود. بی‌گمان در این جا نمی‌توان از انگیزه‌های سیاسی و مقاصد حکام در سوءاستفاده یا جعل این قسم احادیث چشم پوشید.

از جمله این سوء استفاده‌های سیاسی، جعل یا پررنگ کردن روایاتی است که جامعه اسلامی را از بخش ایجابی این احادیث محروم کرده و روحیه‌ای سلبی و منفعل را به بدنه متدین جامعه تلقین می‌کند. در نتیجه با تأکید بر فتنه‌های پیش رو و سیاه‌نشان دادن آینده، مؤمنان به سکوت و عدم اقدام به مقابله با مفسد و قیام نکردن در برابر حکام جور دعوت می‌شوند. بر این اساس، چنین القا می‌شود که مخالفت با حاکم - حتی اگر ستمگر و فاسق باشد - مصداق ورود در فتنه است و باید از آن اجتناب کرد؛ امروز با همه مشکلات آن، از آینده بهتر است و نباید گمان کرد می‌توان آینده‌ای بهتر رقم زد؛ جامعه ایده‌آل و بهتر، در گذشته بوده است؛ دوره صدر اسلام، دوران طلایی است و بهتر از آن روزگار وجود ندارد و هر چه از آن دوران فاصله می‌گیریم، فضل زمانه کمتر می‌شود؛ بنابراین فرد مسلمان باید به نماز، روزه، حج و زکات بپردازد و پیرو حاکم خود باشد که به فلاح دنیا و آخرت برسد. بخاری می‌گوید:

حدثنا محمد بن یوسف، حدثنا سفیان، عن الزبیر، عن عدی قال: أتينا أنس بن مالك فشكلونا إليه ما تلقى من الحجاج، فقال: اصبروا فإنه لا يأتي على الناس زمان إلا الذي بعده شر منه حتى تلقوا ربكم سمعت هذا من نبيكم ﷺ. (ترمذی، ۱۹۷۸: ج ۴، ۴۹۲، ح ۲۲۰۶)

ترمذی، قرطبی و عدوی این حدیث را صحیح دانسته است (قرطبی، بی‌تا: ج ۱، ۱۰۹۰؛ عدوی، ۱۹۹۱: ۶۹؛ موسی هادی، ۲۰۰۳: ۷۱).

هنگامی که گروهی از ظلم‌های پرشمار حجاج به انس شکایت می‌کنند، وی امر به صبر می‌نماید و با نسبت دادن این کلام به پیامبر ﷺ که «همواره آینده بدتر از امروز است»، آنان را متقاعد می‌کند ظلم حجاج را بپذیرند و بدانند بدتر از این‌ها در انتظارشان است.

ابن کثیر در *النهایة* و نیز قرطبی در کتاب *التذکره* و دیگران، فصلی با این عنوان آورده‌اند که «لایاتی زمان الآ والذي یأتیه شر منه» (قرطبی، بی‌تا: ج ۱، ۱۰۹۰).

حدثنا محمد بن إدريس الشافعی، حدثني محمد بن خالد الجندی، عن أبان بن صالح،

عن الحسن، عن أنس بن مالك أن رسول الله ﷺ قال: لا يزداد الأمر إلا شدة، ولا الدنيا إلا إدباراً، ولا الناس إلا شحاً، ولا تقوم الساعة إلا على شرار الناس، وما المهدي إلا عيسى بن مريم. (ابن كثير، ۱۹۸۸: ج ۱، ۵۸)

بنابراین، به طور کلی آینده تاریک، و گذشته روشن و درخشان است. طبیعتاً انسان مؤمن دل در گذشته دارد و از شرایط نامطلوب امروز نیز نباید شکوه کند یا دست به اقدامی بزند؛ چرا که آینده بدتر خواهد بود!

قال أحمد: حدثنا قتيبة بن سعيد، حدثنا ليث بن سعد عن عياش بن عباس عن بكر بن عبد الله عن بشر بن سعيد أن سعد بن أبي وقاص، قال: عند فتنة عثمان بن عفان أن رسول الله ﷺ قال: إنها ستكون فتنة القاعد فيها خير من القائم والقائم خير من الماشي والماشي خير من الساعي. قال: رأيت إن دخل على بيتي فبسط يده أي ليقتلني؟ قال: كُن كابتن آدم.^۱

بر اساس این احادیث - که از فراوانی بالایی برخوردارند - بهترین کار همانی است که امثال عبدالله بن عمر، ابوموسی اشعری و سعد ابی وقاص برگزیدند و در تقابل امام علی علیه السلام و اصحاب جمل یا صفین، جانب هیچ طرفی را نگرفتند. این مطلب تا جایی مورد تأکید قرار می‌گیرد که حتی مبررو مجوز ترک امر به معروف و نهی از منکر نیز صادر می‌شود:

قال أحمد: حدثنا زيد بن يحيى الدمشقي، حدثنا أبو سعيد، حدثنا أبو مكحول عن أنس بن مالك قال: قيل: يا رسول الله! متى ندع الائتمار بالمعروف والنهي عن المنكر؟ قال: إذا ظهر فيكم مثل ما ظهر في بني إسرائيل! إذا كانت الفاحشة في كباركم والعلم في أراذلكم والمملك في صغاركم. (ابن كثير، ۱۹۸۸: ج ۱، ۶۷)

بر اساس این حدیث، در زمان امویان و سبطره حکام شام بر جهان اسلام و رواج فسق و فجور در میان بزرگان مسلمانان و خلفایشان، ترک امر به معروف و نهی از منکر کاملاً موجه و پذیرفته شده بود. طبیعت سبطره این طرز فکر بر ذهن‌های مسلمانان، این بود که امام حسین علیه السلام یا هر مصلح دیگری تنها بماند.

چنان‌که گذشت، احادیث فتن و آخرالزمان روحیه انفعالی و عزلت را تشویق و ترویج می‌کنند و می‌توان ادعا کرد برای نخستین بار جهیمان بود که موضعی فعالانه در این باره گرفت. البته

۱. ترمذی در الفتن، این حدیث را آورده و آن را حسن دانسته است (ترمذی، ۱۹۷۸: ش ۲۲۹۰). العدوی نیز اسناد این روایت را صحیح می‌داند (عدوی، ۱۹۹۱: ۲۷۳).

امثال بن باز نیز پیش تر بدون انجام هرگونه اقدام عملی، با فتنه‌ها مخالفت می‌کردند. بن باز در دههٔ چهل میلادی چندین فتوا علیه حضور غیرمسلمانان در عربستان صادر کرد که باعث شهرت وی و محبوبیتش نزد بقایای اخوان سعودی شد. فتوای بن باز بدین مضمون بود:

استفاده از خدمتکار غیرمسلمان یا رانندهٔ غیرمسلمان چه زن و چه مرد در عربستان سعودی و خلیج عربی حرام است؛ همچنان که پیامبر اکرم نیز فرمان داد باید همهٔ مسیحیان و یهودیان از مکه و مدینه خارج شوند و فقط مسلمانان در این دو شهر بمانند.

ملک عبدالعزیز - که طعم درآمد هنگفت نفتی را چشیده بود و نمی‌خواست شرکای امریکایی خود در شرکت آرامکو را از دست بدهد - بن باز را به زندان افکند. بن باز در زندان دریافت می‌تواند از مدرنیته انتقاد کند، ولی باید همیشه حتی در انتقادات نیز پشتیبان و حامی شاه سعودی باشد و در زمان سختی از او دفاع کند (Trofimov, 2007: 23 - 24).

جهیمان در بیان فتنه‌ها از جایی متفاوت آغاز کرد و به نتیجه‌ای دیگر رسید. او نه فقط به مباحث نظری پرداخت و نه تنها به قیام مسلحانه دست یازید. در گذشته اخوان نیز با ملک عبدالعزیز جنگیدند، اما دکتربین مشخصی نداشتند. جهیمان به مدت چند سال روی احادیث فتن و محن مطالعه و کارکرد و با کنار زدن احادیث ضعیف آن‌ها، یک منشور عملیاتی را به نگارش درآورد و سپس با یاران خود کوشید این مانیفست و سناریو را عملیاتی سازد.

پیشینه جهیمان

جهیمان بن محمد بن سیف العتیبی در سال ۱۹۳۸ در جنوب قصیم در یکی از هجرهای اخوان به نام هجر «ساجر» متولد شد. این هجر در سال ۱۹۱۳ تشکیل شده بود (نقیدان، ۲۰۱۱: ۱۱۷). وی تا ابتدای دهه هفتاد در گارد ملی در فوج ابن ربیعان مشغول به خدمت بود و در سال ۱۹۷۳ آن را ترک کرد (هیگهامر و لاکرو، ۲۰۱۴: ۴۷). کار او در ارتش، آغاز جدایی و نفرتش از مسلک نظامی به طور خاص و کارهای دولتی به طور عمومی شد و سبب این که او ارتش را ترک کرد تأثیری بود که از کتاب‌های شیخ حمود التویجری - به ویژه کتاب *الابضاح والتبیین لما وقع فیه الاکثرون من مشابیه المشرکین* - گرفت. در این کتاب، نویسنده به شدت بر کسانی که تشبه به کفار پیدا می‌کنند می‌تازد و گاهی آن‌ها را خارج از ملت اسلام می‌داند. نویسنده مثال‌هایی می‌زند و

۱. «هجر» به روستاهایی نسبتاً بزرگ گفته می‌شد که در زمان تأسیس حکومت سعودی، برای اسکان بدویان ساخته شدند.

احترام نظامی گرفتن با آوردن دست به کنار ابروی سمت راست یا پاکوبیدن نظامی را از مختصات غربی‌ها دانسته و انجام آن را تشبیه به کفار می‌داند.

جهیمان از زادگاه خود به مدینه نقل مکان کرد؛ چراکه بر اساس روایات اشراط الساعة، دجال وارد این شهر نخواهد شد (حزیمی، ۲۰۱۲: ۹۸).^۱ شیخ البانی نیز بر جماعت و همچنین جهیمان تأثیری بسزا داشت. سلفیت آن‌ها، مبتنی بر نظر البانی در رها کردن تمذهب و اخذ به احادیث صحیحه و پاکسازی آن‌ها از احادیث ضعیف بود. آنان در فهم توحید از کتب شیخ محمد بن عبدالوهاب، شیخ ابن تیمیه و شیخ ابن قیم استفاده می‌کردند (همو، ۲۰۰۹). شیخ بدیع بن احسان الله الراشدی السندی نیز از اساتید پرتأثیر بر جهیمان به شمار می‌رود (همو، ۲۰۱۱: ۵۶).

رسائل جهیمان

در کتاب *رسائل جهیمان العتیبی قائد المقتحمین للمسجد الحرام* مجموعه‌ای از رسائل به جهیمان نسبت داده شده است؛ چهار رساله با نام‌های «الامارة والبیعة والطاعة وکشف تلبیس الحکام علی طلبه العلم و العوام»، «التوحید»، «النصیحة»، «المیزان لحیة الانسان» و هفت رساله با نام‌های «الفتن و اخبار المهدی و الدجال و نزول عیسی علیه السلام و اشراط الساعة»، «بیان الشکر و خطرہ»، «الفطرة السلیمة»، «اوثق عری الایمان الحب فی الله و البغض فی الله»، «مداخل الشیطان لافساد القلوب»، «اختصار رساله الامر بالمعروف و النهی عن المنکر لابن تیمیه»، «البیان و التفصیل فی وجوب معرفة الدلیل». این رساله‌ها در یک انتشارات کویتی - که رویه‌ای ضد سعودی داشت - چاپ شد و به طور مخفیانه به عربستان ارسال گردید.

فتنه‌های آخر الزمان

جهیمان مردم دوران خود را تباه شده می‌داند؛ مردمی که به دنیا چسبیده و به سلاطین و حکام جور تقرب می‌جویند و در برخورد با باطل و منکرات یا ساکت هستند و یا از آن دفاع می‌کنند (عتیبی، بی تا - الف: ۴). از نظری و تکنولوژی و مظاهر آن همگی از نشانه‌های آخر الزمان بودند. به عنوان نمونه، در حدیثی در بیان اشراط الساعة آمده است:

۱. ابن کثیر، در این باره از کتاب *صحیح بخاری* حدیثی نقل کرده است: من حدیث مالک، عن نعیم المحمر، عن ابي هريرة أن رسول الله ﷺ قال: «المدینة لا یدخلها الطاعون ولا الدجال» (ابن کثیر، ۱۹۸۸: ۷۸).

سیکون فی آخر هذه الامة رجال یرکبون علی المیاتر... قال ابن عمر رضی اللہ عنہما: قلت لابی: وما المیاتر؟ قال سروج عظام... (برزنجی، ۲۰۰۵: ۱۵۶)

این احادیث در نزد جهیمان و هم فکرا نش بر مصادیق خارجی حمل می شد. به گفته حزیمی^۱ در سال ۱۳۹۹، سخن از این که آخر الزمان فرارسیده است در بین جماعت، زیاد شده بود. جماعت به این امر یقین داشت و از اخباری که در این باره است، حمایت می کرد. حتی آن ها سناریوی آخر الزمان را نیز ترسیم کرده بودند که جهیمان در رساله *الفتن* این سناریو و حوادث آن را به ترتیب بیان می کند (حزیمی، ۲۰۱۲: ۷۳). او در آغاز رساله یاد شده، پنج حدیث درباره فتنه های آخر الزمان ذکر می کند؛ از جمله حدیث ذیل:

أخرج أبو داود بإسناد صحيح عن عبد الله بن عمر رضی اللہ عنہما قال: كنا قعوداً عند رسول الله صلی اللہ علیہ وسلم فذكر الفتن حتى ذكر فتنة الاحلاس فقال قائل: يا رسول الله! وما فتنة الاحلاس؟ قال: هي هرب وحرب، ثم فتنة السراء دخنها من تحت قدمي رجل يزعم أنه مني وليس مني وإنما أوليائي المتقون، ثم يصططح الناس على رجل كورك على ضلع، ثم فتنة الدهيماء لاتدع أحد من هذه الامة إلا لطمته لطمه، فإذا قيل إنقضت تمادت يصح الرجل فيها مؤمن ومسي كافر حتى يصير الناس إلى فسطاطين؛ (عتیبي، بی تا - ۵: ۱۲)

ابوداود در کتاب الفتن (۴۲۴۲) به اسناد صحیح از عبدالله بن عمر نقل کرده است: در کنار رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم نشستیم که ایشان درباره فتنه ها صحبت فرمود تا این که به فتنه «احلاس»^۲ رسید. کسی پرسید: ای رسول خدا! فتنه احلاس چیست؟ فرمود: این فتنه بین «گریز و غارت»^۳ است. سپس فتنه «السراء»^۴ (رفاه) است که آتش فتنه زیر دو پای مردی از اهل بیت من است. او گمان می کند که از من است، اما از من نیست. همانا اولیای من متقین هستند. سپس مردم با مردی غیر قابل اعتماد (کورک) علی

۱. حزیمی از دوستان جهیمان و از اعضای جماعت وی بود که اندکی پیش از حادثه اشغال حرم، از جماعت جدا شد. وی بعدها کتاب *ایام مع جهیمان* را نوشت و از بسیاری از ابعاد مبهم و ناگفته ها درباره جهیمان و جماعت او پرده برداشت.

۲. احلاس جمع «حلس» است و حلس، پارچه ای است که به زیر زمین چوبین شتر می گذارند. در نتیجه این پارچه پیوسته ملایم و همراه آن شتر است. از این رو فتنه احلاس، فتنه ای است که همواره دامنگیر مردم است و مانند حلس، سیاه و تاریک است.

۳. هرب: مردم در اثر جنگ و دشمنی از یکدیگر گریزان هستند.

حرب: و اموال و جان و ناموس آن ها به غارت برده می شود.

۴. به سبب فراوانی نعمت ها مردم در راحتی و تنعم قرار می گیرند، برخی سرمستی می کنند و در معاصی فرو می روند: «وَأَلْمَزَادُ بِالسَّرَاءِ النَّعْمَاءُ الَّتِي تَسُرُّ النَّاسَ مِنَ الصَّحَّةِ وَالرَّخَاءِ وَالْعَافِيَةِ مِنَ الْبَلَاءِ وَالْوَبَاءِ ، وَأَضِيفَتْ إِلَى السَّرَاءِ لِأَنَّ السَّبَبَ فِي وُقُوعِهَا إِزْيَاكُابِ الْمَعَاصِي بِسَبَبِ كَثْرَةِ التَّنَعُّمِ»

ضلع^۱ بیعت می‌کنند. آن‌گاه فتنه دهیماء (سیاه و بزرگ) است که این فتنه هیچ شخصی از امت را فرو نمی‌گذارد، مگر این که لطمه‌ای بر او وارد می‌سازد.

جهیمان در شرح این حدیث می‌گوید:

پیامبر ﷺ فتنه احلاس را ذکر کرده است و چنان‌که فرمود، این فتنه بین «گریز و غارت» است. معنای این کلام، این است که مردم بین جنگ و گریز خواهند بود و این در عصر، شریف حسین و ملک عبدالعزیز در جزیره العرب رخ داد. مردم اکنون نیز آن زمان را زمان جاهلیت می‌نامند که در بین آن‌ها جنگ و غارت بود و برخی از مردم به گوشه و کنار جزیره و شام و عراق گریختند.

اما این که پیامبر ﷺ فرمود: «فی فتنة السراء ان دخنها...»، آتش فتنه زیر دو پای مردی از اهل بیت من است او کسی جز شریف حسین نیست که قبل از ملک عبدالعزیز بر حجاز حکومت داشت. او از نسل پیامبر بود، ولی در زمان او به دور قبه‌ها طواف می‌شد، همان‌طور که به دور کعبه طواف می‌شود و از او نقل می‌کنند که به شیخ محمد بن عبدالوهاب طعنه می‌زد که او موجب شکاف بین مردم شده است... پس می‌بینی همان‌طور که ظاهر است، قول پیامبر ﷺ بر او منطبق می‌شود: «او گمان می‌کند از من است، اما از من نیست» و خود حضرت علت را ذکر کرده و فرموده است: «همانا اهل تقوا اولیای من هستند».

اما آن مردی که مردم بر او اتفاق نظر می‌کنند، ظاهراً ملک عبدالعزیز است؛ چرا که پیش از او جزیره العرب پراز جنگ و راهزنی بود و نه مسلمان در امنیت بود و نه کافر. سپس به دست او برای همه مسلمان و کافر امنیت برقرار شد تا جایی که مسلمان و مسیحی و شیعی با هم درآمیخته و در امنیت بودند. پس قول رسول الله: «سپس مردم به دور مردی غیر قابل اعتماد جمع می‌شوند...» بر او منطبق است. و ما اکنون در فتنه «دهیماء» هستیم که هیچ‌کسی از این امت را رها نکرده، به هر کس لطمه‌ای می‌زند و هر گاه گفته می‌شود تمام شد، باز ادامه پیدا می‌کند. این واقع امروز ماست که می‌بینیم هر روز اهل باطل فتنه‌ای جدید بر سر ما می‌آورند. ابتدا آن را می‌آورند و سپس ادامه پیدا می‌کند، مانند رادیو که وقتی آمد، فقط قرآن و اخبار پخش می‌کرد و صدای زنی از آن پخش نمی‌شد، سپس امور عوض شد و زن‌ها با مردان برنامه اجرا می‌کردند و ترانه‌های غیر اخلاقی می‌خواندند. سپس آن‌ها را عریان بر صفحه تلویزیون آوردند و همین‌طور عکس‌ها و تصاویر شیوع پیدا کرد. کسی که در سایر برنامه‌هایشان هم تدبیر کند و اهل بصیرت باشد،

۱. «ورک» قسمت بالای ران را گویند و «ضلع» نیز استخوان دنده است. این عبارت کنایه از این است که کار آن مردم با این شخص پایدار نمی‌ماند؛ چرا که ورک سنگین است و ضلع کوچک و ضعیف است. کار بیعت با این شخص استمرار نخواهد یافت. از این رو این اصطلاح اشاره به امری واهی است که آن را استقامتی نیست و دیری نپاید که زوال یابد.

این مطلب را می‌بیند. (همو: ۱۳-۱۴)

به گفته جهیمان، روایتی نبوی که احمد، ابن حبان و حاکم آن را نقل کرده‌اند، صحیح است:

لتنقضن عری الاسلام عروة عروة فكلما انتقضت عروة تشبث الناس بالتي تليها فاولاهن

نقضا الحكم وآخرهن الصلاة؛ (همو، بی تا - ه: ۲۱)

ریسمان اسلام، بند بند بریده می‌شود و هر بندی که بریده می‌شود مردم به باقی آن چنگ می‌زنند. اولین این بندها که بریده می‌شود، حکومت و آخرینش نماز است.

او در جای دیگر با مقایسه نماز صحابه با نمازی که در عصر خودش اقامه می‌شود، نتیجه می‌گیرد که دیگر از نماز نیز چیزی نمانده است:

حال شما این مطالب را در مشایخ امروز جست‌وجو کن! اینان چطور نماز می‌خوانند؟ وقتی صدای اذان را می‌شنوی از منزلت برخاسته و به سمت مسجد می‌روی، در حالی که فاصله پانصد متری را هروله می‌کنی یا می‌دوی و با این عمل خود، برخلاف سنت عمل می‌کنی که پیامبر فرمود: وقتی برای اقامه نماز می‌روید، با حالت سکون و آرامش قدم بردارید؛ ولی با این وجود می‌بینی که دو یا سه رکعت نماز از دست رفته و نماز را خوانده‌اند. مصیبت عظمی این است که اکثر مسلمانان امروزه به این نماز بسنده کرده‌اند و حتی برخی نمازشان را جلوی در مسجد می‌خوانند تا وقتی سلام داده شد، از مسجد بیرون بپرند. (همو، بی تا - و: ۸)

جهیمان در رساله الفتن حدیثی از عوف بن مالک از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود:

... ثم فتنة لاتدع بيتاً من العرب إلا دخلته ...

در این حدیث، سخن از فتنه‌ای است که هیچ خانه‌ای از خانه‌های عرب را فرونگذارد و در همه وارد خواهد شد. جهیمان این احتمال را رجحان می‌دهد که مراد از این فتنه، همان تصاویر موجود بر پول هاست و می‌گوید:

اما آن فتنه‌ای که هیچ خانه‌ای از عرب نیست، مگر این که در آن داخل می‌شود، در این حدیث به طور مجمل آمده است و وقتی در زندگی امروز تأمل کنی، خواهی دید هیچ خانه‌ای نیست، مگر این که فتنه در دین، در آن وارد شده است. و از جمله آن‌ها فتنه تصاویر موجود بر اسکناس‌ها و غیر آن است که هیچ خانه‌ای از عرب را نمی‌یابی، مگر این که این فتنه در آن داخل شده است. (همو، بی تا - د: ۱۲)

بیشتر آنان پول نقد را به دلیل وجود تصاویر بر روی آن‌ها با خود حمل نمی‌کردند و غالباً پول

و مدارک شناسایی - که تصویرشان بر آن بود - را در داشبورد ماشین می‌گذاشتند. حتی تعدادی از آنان به کمک برخی علما، مدارک شناسایی معاف از عکس گرفته بودند. برخی نیز از پول‌های سکه‌ای - که خالی از تصویر بود - استفاده می‌کردند و یا با ریختن جوهر، تصاویر را از روی اسکناس‌ها محو می‌کردند. همه این کارها برای این بود که از فتنه‌ای که هیچ‌کس را فرو نمی‌گذارد، فرار کنند (حزیمی، ۲۰۱۲: ۱۲۸).

در رساله‌ی النصیحة آمده است:

اختلال و به‌هم‌ریختگی دولت‌ها در این ایام، اشاره به وقوع قتال و درگیری و خروج ملاحم ذکر شده توسط نبی صادق مصدق علیه السلام دارد. او فرمود که از جمله فتنه‌ها این است که قاتل نمی‌داند برای چه کشته است و مقتول هم نمی‌داند که چرا کشته می‌شود. و نیز خبر داده که در انتهای این جنگ‌ها خروج شدیدی از دین حاصل می‌شود. و نیز خبر داده که در اول این جنگ‌ها، مسلمانان به مسیحیان امان داده، با آنان صلح می‌کنند. سپس این دو با دشمن می‌جنگند و بر آن پیروز می‌شوند و به غنایمی دست می‌یابند. پس از آن مسیحیان خیانت می‌کنند و دوست، به دشمن تبدیل می‌شود. مسیحیان صلیب‌ها را برافراشته و می‌گویند: صلیب پیروز شد. در این زمان، مردی از مسلمین برخاسته و آن کس که صلیب به دست دارد را می‌کشد. در پی این اتفاق، آن‌ها علیه مسلمانان و مسلمانان علیه آنان اجتماع می‌کنند. پس مسیحیان در هشتاد بیرق می‌آیند که زیر هر بیرقی نهصد و شصت هزار نفر است. ما اکنون در حال صلح امن هستیم و در انتظار آن‌چه نبی اسلام از آن خبر داده است به سر می‌بریم. (عتیبی، بی‌تا - ب: ۱)

فتنه‌ای بزرگ‌تر از دجال

جهیمان در رساله‌ی الفتن درباره علمای دین چنین می‌نویسد:

فتنه دیگری وجود دارد که از فتنه بزرگ دجال بزرگ‌تر است و بسیاری از آن غافل‌اند و آن، چیزی است که در حدیث صحیح احمد بیان شده است: «غیر الدجال اخوف علی امتی من الدجال الاثمة المضلون». (همو، بی‌تا - د: ۲۷)

وی مشکل را در عالمانی می‌دید که از بیان حقیقت اجتناب می‌کردند و در مقابل بدعت‌های موجود، سکوت اختیار می‌نمودند:

آری، به خدا که خطر دجال کمتر از این حاکمان است؛ چرا که دجال حالش معلوم است. اما این حاکمان امرشان بر بسیاری از مردم مشتبه است؛ به این دلیل که اینان مشایخ مسامحه‌کاری در خدمت دارند که به خاطر معاش و حقوقشان به جهل و ضلالت دعوت می‌کنند. پس از همه این اوصاف، آیا باز هم اطاعت این امامان گمراه - که خطرشان از

دجال بیشتر است - واجب است؟ (همو، بی تا - ج: ۱۸)

او در همان رساله، علت بها دادن حکومت به علمایی همانند بن باز - که نابینا هستند - را چنین بیان می کند:

می دانیم آن ها امثال شیخ بن باز را در این جایگاه قرار می دهند که هم مردم بر تدین آن ها اعتماد دارند و هم نابینا هستند و خیلی از منکرات را نمی بینند و وقتی حکومتی ها با این علما ملاقات می کنند، پیشانی آن ها را می بوسند و چرب زبانی می کنند که اگر خبری به آن ها رسیده و چیزی در دلشان برای گفتن هست را خنثی نمایند و این ها از دسایس ابلیس است. (همو: ۲)

جهیمان در رساله ای دیگر، به تفصیل به این مطلب می پردازد که باید مؤمن خود به کتاب و سنت رجوع کند و دینش را بیاموزد و کتب علما تنها از جهت کمک به فهم کتاب و سنت اعتبار دارد و نه بیشتر (همو، بی تا - ز: ۲۶).

دیدگاه جهیمان درباره حکومت بر اساس اسلام؛ ملت ابراهیم

در دیدگاه جهیمان، حاکمان موجود، فاسدند و برخلاف باور عموم اهل سنت، لازم الاتباع نیستند. عالمان دین فروخته نیز سکوت کرده و بیان حق را فرو نهاده اند. آخر الزمان فرا رسیده و فتنه ها از همه سوی هجوم آورده اند. در این شرایط، راه نجات را باید در روایات آخر الزمان جست. او هدف از نوشتن رساله *رفع الالتباس* را تبیین منهج خود درباره دو اصل توحید و نبوت عنوان می کند و معتقد است هر کس به آن ها اخذ کند گمراه نشود. آن گاه می افزاید: «واقعیتی وجود دارد که اکثر آن هایی که گمان می کنند این دو اصل را دارند، در واقع فاقد آن ها هستند». وی در این باره می گوید:

ملت ابراهیم بر دو اصل استوار است: اخلاص در عبادت خدا و نیز تبری از شرک و اهل شرک و اظهار دشمنی و عداوت با آن ها. ... در صحیح مسلم از قول پیامبر ﷺ آمده است: «ان الله اتخذني خلیلاً كما اتخذ ابراهیم خلیلاً». پس ملت ابراهیم، همان ملت نبی ما ﷺ است و ملت ابراهیم جز با اظهار برائت از شرک و اهل آن و جدا شدن از آنان نیست و ظهور دین اسلام به تمام و کمال نرسید، مگر با همین مطلب؛ همان طور که بخاری از جابر نقل می کند: «و محمد فزق بین الناس». (همو، بی تا - ه: ۳-۶)

ابومحمد مقدسی - از جمله شاگردان مکتب و منطق جهادی جهیمان و نیز پدر معنوی ابومصعب زرقاوی، بنیان گذار اولیه داعش در عراق - به پیروی از جهیمان، کتابی

با نام *ملة ابراهیم* نگاهت. او در این کتاب بیان می‌کند که تبعیت از ملت ابراهیم، تنها با بیان توحید نظری محقق نمی‌شود، بلکه باید از اهل باطل نیز برائت شود و این مخالفت با باطل اعلام گردد. او معتقد است اگر حرکت حضرت ابراهیم علیه السلام تنها به بیان توحید می‌پرداخت و نسبت به کارهای باطل آن‌ها اغماض داشت و سکوت می‌کرد، مردم زمانش او را در آتش نمی‌انداختند و چه بسا از او حمایت می‌کردند و برای تدریس گفته‌هایش معهد و دانشگاه به راه می‌انداختند و به فارغ التحصیلانش نیز جایزه و دکتری می‌دادند. وی حاکمان مسلمان را طاغوت‌هایی می‌نامد که با اسلام مخالفت نمی‌ورزند، بلکه برای آن دانشگاه و همایش و کنفرانس برگزار می‌کنند، اما در نهایت، یک اسلام پرو و بال بریده و ناقص را به مردم تحویل می‌دهند. به باور وی، دولت سعودی مردم را با تشویق به خواندن کتب توحید و مخالفت با صوفیه و زیارت قبور می‌فریبد؛ چرا که از این اسلام گزندی به تاج و تخت آن‌ها نمی‌رسد، ولی اجازه نمی‌دهند کتب جهیمان - که مملو از معارف توحیدی است - توزیع و پخش شود (مقدسی، ۱۹۸۴: ۲۰-۲۲).

خروج مهدی

مهم‌ترین عنصر در تفکر جهیمان - که روش او را غیرمنفعل کرد و وی را به عمل و حرکت واداشت - مسئله اعتقاد به مهدی بود. مقدماتی که پیش‌تر گفته شد، در نزد وی مبرر خروج مهدی منتظر به شمار می‌آمد. جامعه مملو از فتنه‌ها بود و حاکمان مسلمان نیز شرایط و جوب اتباع را نداشتند. در این شرایط، احادیث اشراط الساعة راه‌گشای جهیمان برای برون‌رفت از وضع موجود و رسیدن به رهایی بود. در این جا قضیه مهدی منتظر مطرح گردید و بر محمد بن عبدالله قحطانی تطبیق داده شد. او این سناریو را چنین تبیین می‌کند:

بدان که پیامبر صلی الله علیه و آله از خروج مردی صالح از امتش خبر داده که زمین را پراز عدل می‌کند، پس از این که از ظلم پر شده باشد. پیامبر او را به نام خودش و از قبیل خودش و از فرزندان فاطمه معرفی کرد و خبر داد او هفت سال در زمین باقی می‌ماند. نیز خبر داد که خداوند کار او را در یک شب اصلاح خواهد کرد. سپس می‌آید و به بیت‌الله پناه می‌برد، در حالی که از مردم گریزان است. در این زمان عده کمی در بین رکن و مقام با او بیعت می‌کنند و سپس سپاهی که از مدینه می‌گذرد، به جنگ او می‌آید. خداوند این لشکر را در وادی بیداء به درون زمین می‌کشد. پس از آن مسیحیان مسلمانان را فریب خواهند داد و

آن گاه درگیر جنگ می شوند. این مرد از مکه به سوی آن ها خارج می شود و با همراهان به مدینه می رسند. اینان بهترین های زیر سقف آسمان در آن روزگارند. وقتی مسیحیان او را می بینند به او می گویند: با ما و مسلمانانی که با ما در دوستی و تسالم هستند، کاری نداشته باش! اما او و همراهانش امتناع می ورزند. او می گوید: به خدا که ما شما را با برادرانمان تنها نمی گذاریم! پس به برادرانش ملحق می شود و آماده جنگ می شوند و عدد مسیحیان در آن روز نهصد و شصت هزار نفر است. یک سوم مسلمانان در زمانی که تعداد آن ها را می بینند جا می زنند. خداوند هرگز توبه آن ها را نخواهد پذیرفت. ثلث دوم آنان کشته می شوند و آن ها در نزد خدا، قرین شهدا هستند. سپس خداوند برای ثلث باقی مانده فتح و گشایش می رساند تا این که قسطنطنیه را با تکبیرهایشان فتح می کنند و وقتی این کار انجام شد در بین آن ها شیطان فریاد می زند: همانا دجال پشت سر شما در بین خانواده های شماست! و حال آن که او دروغ می گوید. مهدی ده سواره می فرستد که مطلب را بررسی کنند. آن ها حقیقت امر را کشف می کنند. سپس خداوند دجال را خارج می کند. مهدی به همراه یاران به سوی بیت المقدس می رود و منتظر آمدن دجال می شوند که با او بجنگند. در این زمان در هنگام صبح، در حالی که مسلمانان برای نماز به امامت مهدی به صف ایستاده اند، عیسی علیه السلام نازل می شود و او هم پشت سر مهدی نماز می گذارد. (عتیبی، بی تا - د: ۱۵)

نقش رؤیاها

در کتب حدیثی اهل سنت، احادیث متعددی وجود دارد که در نگاه آن ها و به خصوص سلفی ها جایگاهی رفیع به رؤیا می دهد، به طوری که هرکسی با رؤیاها مخالفت کند را روی گردان از حق تلقی می کنند. اعتقاد به رؤیا و ایمان به آن به این شکل، از اصول عقیده پدر فکر سلفی، امام احمد بن حنبل است. در *طبقات الحنابلة* از احمد حنبل چنین نقل شده است:

کیست جاهل تر از آن کسی که در رؤیا اشکال می کند و آن را ناچیز می پندارد؟ ... از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است: رؤیای مؤمن، کلام ربّ با عید است. و فرمود: رؤیا از خدای عزوجل است. (ابن ابی یعلی، بی تا: ج ۱، ۲۱)

محمد بن سیرین می گوید: از ابوهریره شنیدم که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۴۷

إِذَا اقْتَرَبَ الزَّمَانُ لَمْ تَكْذِبْ رُؤْيَا الْمُؤْمِنِ، وَرُؤْيَا الْمُؤْمِنِ جُزْءٌ مِنْ سِتِّهِ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ، وَمَا كَانَ مِنَ النَّبُوءَةِ فَإِنَّهُ لَا يَكْذِبُ. (ابن بطلال البکری، ج ۲۰۳: ۹، ۵۳۷)

جماعت جهیمان نیز به رؤیا توجه زیادی داشتند و هرگاه جهیمان با دوستانش جمع

می‌شد، از آن‌ها می‌پرسید: آیا کسی رؤیایی دیده است یا نه؟ در واقع جهیمان معبر و مفسر خواب‌های آنان بود. در نیمه دوم سال ۱۹۷۸ این رؤیاهای بر جماعت سیطره پیدا کرد (نقیدان، ۲۰۱۱: ۱۴۰). در سال ۱۳۹۹ هجری نیز سخن از تواتر رؤیاهای درباره آخرالزمان و خروج مهدی در میان بود (حزیمی، ۲۰۱۲: ۷۳). در همان سال، موج رؤیاهای صادقه یکی پس از دیگری یاران جهیمان را درمی‌نوردید. نخستین نفر، خواهر محمد بن عبدالله بود. در این رؤیا محمد بن عبدالله کنار خانه کعبه ایستاده بود و هزاران مؤمن با او بیعت می‌کردند. حتی اعضای لبنانی گروه جهیمان نیز چنین رؤیایی را تجربه کرده بودند (Trofimov, 2007: 43). این رؤیاهای نوعی توهم جمعی در آن‌ها به وجود آورد که محمد بن عبدالله، مهدی است و باید با او وارد مسجدالحرام شوند و بقیه امور به دست خداوند، آن‌گونه که در احادیث آمده رقم خواهد خورد.

نتیجه‌گیری

جهیمان العتیبی در سال ۱۴۰۰ هجری با اشغال مسجدالحرام و بیعت با مهدی، نقطه عطفی را در تاریخ سلفیت رقم زد. این قیام و حرکت، عوامل فراوانی دارد که نگارنده در مقاله‌ای دیگر به آن پرداخته است. بی‌گمان خاستگاه قبیله‌ای جهیمان در این میان، نقشی مهم دارد. درگیری قبیله جهیمان با ملک عبدالعزیز در درگیری السبله سبب شد کینه خاندان سعود در دل او نهادینه شود. این امر زمینه قیام علیه حاکم را در نزد وی آسان می‌کرد. نکته دیگر، مربوط به ذهن بدوی و بسیط جهیمان است. آن‌چه او ترسیم می‌کرد، بر مبنای روایات فتن و ملاحم بود. او در برخورد با فتنه‌ها رویکردی انفعالی نداشت و به سراغ احادیثی رفت که فضا را برای عمل باز می‌کردند. مهم‌ترین این احادیث، مربوط به مهدی و قیام منجی بود. او به خوبی می‌دانست مخالفت با نظام حاکم و دعوت به مهدی، مخالفت عالمان سعودی را در پی خواهد داشت. از این رو خود در اقدامی قاطع، آنان را عالمان دین‌فروشی معرفی می‌کرد که از دجال خطرناک‌ترند و اعضای جماعت را از ارتباط با آن‌ها منع می‌کرد. او در رسائل خود موفق به بازسازی سناریویی پویا از درون احادیث فتن و ملاحم شد. رؤیاهای نیز به قطعیت برنامه وی، کمکی شایان نمودند. در نهایت در تاریخ ۱/۱/۱۴۰۰ هجری اقدام به قیام کرد.

اگرچه پس از او، دیگر جریان‌های سلفی، مسئله مهدی را مطرح نکردند، اما رویکردی پویا

نسبت به احادیث آخرالزمان شدت گرفت. حوادث پس از جنگ خلیج فارس و آزادسازی کویت، برای اهل سنت، به نوعی تداعی کننده احادیث آخرالزمان بود. این جنگ که با درخواست کمک از امریکا و حضور آنان پیروز شد، ضربه سنگین روحی و عقیدتی برای مسلمانان و به ویژه سلفی‌ها به شمار آمد. دخالت امریکا در داستان، برای اهل سنت تلخ بود و اوج این انزجار در حادثه ۱۱ سپتامبر بروز کرد. بعد از آن و پس از تحولات خاورمیانه، سلفی‌ها بیشتر به احادیث مربوط به حوادث عراق و یمن و به خصوص شام^۱ و تطبیق آن‌ها بر وقایع خارجی مبادرت می‌ورزند.

۱. به عنوان نمونه، از شرحبیل بن مسلم از قول پدرش چنین نقل شده است: «بلغنا ان لن تقوم الساعة حتی یخرج خیار اهل العراق الی الشام و شرار اهل الشام من الشام الی العراق، فاکره ان یدرکنی اجلی و انا بالعراق (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ج ۱، ۳۶۳).

منابع

- ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، بیروت، دارالفکر.
- ابن ابی یعلی، محمد بن محمد (بی تا)، *طبقات الحنابلة*، بیروت، دارالمعرفة.
- ابن بطلال البکری، علی بن خلف بن عبدالملک (۲۰۰۳م)، *شرح صحیح البخاری*، ریاض، مکتبة الرشد.
- ابن کثیر، ابو الفداء اسماعیل بن عمر (۱۹۸۸م)، *النهاية فى الفتن والملاحم*، بیروت، دار الجیل.
- برزنجی، محمد بن رسول (۲۰۰۵م)، *الاشاعة لاشراط الساعة*، بیروت، دارالمنهاج، چاپ سوم.
- ترمذی، ابی عیسی محمد بن سوره (۱۹۷۸م)، *الجامع الصحیح (سنن ترمذی)*، بی جا، مکتبة مصطفى البابی و اولاده، چاپ دوم.
- حزیمی، ناصر (۲۰۱۱م)، *ذکریاتی مع جهیمان العتیبی قائد المحتلین للمسجد الحرام، قصة وفکر المحتلین للمسجد الحرام*، بی جا، مرکز المسبار للدراسات والبحوث.
- _____ (۲۰۱۲م)، *ایام مع جهیمان*، الشبكة العربية للابحاث و النشر.
- _____ (۲۱ نوامبر ۲۰۰۹م)، *مصاحبه گز: خالد المشوح*، مجله الکترونیکی *خطیئة جهیمان*.
- رفعت، سید احمد (۲۰۰۴م)، *رسائل جهیمان: قائد المقتحمین للمسجد الحرام بمکة*، قاهره، مکتبة مدبولی.
- عتیبی، جهیمان (بی تا - الف)، *المیزان فی حياة الانسان*، وبسایت منبر التوحید والجهاد.
- _____ (بی تا - ب)، *النصيحة*، وبسایت منبر التوحید والجهاد.
- _____ (بی تا - ج)، *رسالة الامارة والبيعة والطاعة*، وبسایت الجبهة الاعلامية الاسلامية العالمية.
- _____ (بی تا - د)، *رسالة الفتن واخبار المهدي ونزول عيسى واشراط الساعة*، وبسایت منبر التوحید والجهاد.
- _____ (بی تا - ه)، *رسالة رفع الالتباس عن ملّة من جعله الله اماماً للناس*، وبسایت منبر التوحید والجهاد.
- _____ (بی تا - و)، *رسالة اوثق عرى الايمان الحب في الله والبغض في الله*، بی جا، بی نا.
- _____ (بی تا - ز)، *البيان والتفصيل في وجوب معرف الدليل*، وبسایت منبر التوحید والجهاد.

- عدوى، مصطفى (١٩٩١م)، *الصحيح المسند من احاديث الفتن والملاحم*، مصر، دار البراق.
- قحطاني، فهد (١٩٨٧م)، *زلزال جهيمان في مكة*، منظمة الثورة الإسلامية في الجزيرة العربية.
- قرطبي، محمد بن احمد بن ابي بكر (بى تا)، *التذكرة لاحوال الموتى وامور الآخرة*، رياض، مكتبة دارالمنهاج.
- مروزي، نعيم بن حماد (١٩٩٣م)، *كتاب الفتن*، بيروت، دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- مقدسى، ابومحمد (١٩٨٤م)، *ملة ابراهيم*، <http://www.almaqdese.net>.
- موسى هادى، عصام (٢٠٠٣م)، *صحيح اشراط الساعة*، بيروت، دار ابن حزم، چاپ اول.
- نقيدان، منصور (٢٠١١م)، *الجماعة السلفية المحتسبة دراسة في فكر المحتلين للمسجد الحرام*، قصة وفكر المحتلين للمسجد الحرام، مركز المسبار للدراسات والبحوث.
- هيگهامر، توماس؛ استيفان لاکرو (٢٠١٤م)، *حتى لا يعود جهيمان*، بيروت، منتدى المعارف.
- Yaroslav, Trofimov (2007), *The siege of Mecca*, Anchor Books.

